

بسم الله الرحمن الرحيم

## شب سوم

### پاسخ به یک سوال

بسم الله الرحمن الرحيم. سلام عليكم ورحمت الله. یک چند نفری سؤال کردن، من این سؤال را پاسخ بدهم، خیلی کوتاه، راجع به حفظ قرآن. حالا معمولاً این برنامه قرآنی محفلمان پخش می‌شود، (بعضیها) ذوق حفظ می‌گیرند، کار خوبی هم هست. یک تأکیدی حضرت آقا می‌کنند روی بحث حفظ موضوعی. یک دو سه دقیقه این را یک توضیحی بدهم. ببینید، حفظ ترتیبی واقعاً کار سختی است و انس با قرآن، به‌خصوص در سنین یک مقداری بالاتر، مثلاً از بیست و پنج به بعد، انس با قرآن به صورت حفظ‌های ترتیبی بسیار کار سختی است. مشاغل ذهنی و این‌ها اجازه‌ی این کار را به خیلی‌ها نمی‌دهد. شروعش با چیست؟ شروعش با حفظ موضوعی است. حفظ موضوعی چون نقطه‌زن هم هست. یعنی شما دقیقاً آن چیزی که حفظ می‌کنید، آن آیه یا دسته آیه‌ای که حفظ می‌کنید، مربوط به یک موضوع در ذهن‌تان است. مثلاً انفاق، مثلاً فرض کنید توحید، مثلاً نمی‌دانم، رسالت، نبوت، تحولات اجتماعی یا هر چه. هر چه از این مقوله، منافقین.

در این‌ها یک سری روایت، یک سری آیات «آمّ الباب» از این‌ها آدم به صورت موضوعی حفظ بکند، در چند مرحله، بستگی به این دارد که در حقیقت چقدر با قرآن آشناست. ما در صدد هستیم که در برنامه‌ی محفل، اپلیکیشنی درست کنیم که این کار را با شما انجام دهد. یک سی آیه، یک صد آیه، یک دویست آیه، یک سیصد آیه. در حقیقت اگر این مقدار را شما از آیات قرآن حفظ کنید و بعد بتوانید با آن اپلیکیشن جواب بدهید، یعنی پروسه رفت و برگشت بکنید با آن که معلوم بشود حفظید و آن عملاً از شما این امتحان را، اپلیکیشن بگیرد، بعد دیگر ذوق‌تان می‌گیرد که حالا من بنشینم مثلاً سوره جمعه را حفظ کنم، یک حفظ سوره ای، سوره یس را حفظ کنم. وگرنه قبل از آن، یکهو «بسم الله الرحمن الرحيم»، از اول بقره، ترتیبی حفظ کردن، معمولاً آدم‌ها می‌گذارند کنار. بعدش هم می‌بینید همه ناامید می‌شوند از این کار. با هم آشنا نمی‌شود با قرآن. آشنایی با قرآن این است که یک انس نسبت به کلیات مفاهیم قرآن انجام بشود. لذا سی، صد، دویست، سیصد.

این یک وعده‌ی ما به شما، سر خرمن، ان شاء الله. به کانال خود بنده هم مراجعه بکنید، من این آیات را می‌گذارم. خودم با سلیقه‌ی خودم این آیات را جدا می‌کنم و می‌گذارم تو کانال برای اینکه کسانی که می‌خواهند حفظ موضوعی بکنند، بتوانند حفظ بکنند که خیلی کار لازمی است. این آیات تو ذهن همین‌جوری جولان پیدا بکند، به هر جهت انس است. انس با قرآن انس با مفاهیم می‌آورد. یک صلوات محمدی.

### جهاد تبیین، وظیفه‌ی همگانی

خب، ما در این شب‌ها، یک بحثی داشتیم، می‌گفتیم راجع به این آیه که یکی از آیات مهم است و از همین آیات سه ستاره است. صد و نود و نه اعراف، بسم الله الرحمن الرحيم. «خُذِ الْعَقُوْ وَ أَمُرْ بِالْعُرْفِ وَأَعْرِضْ عَنِ الْجَاهِلِيْنَ». «خُذِ الْعَقُوْ» را گفتیم «أَعْرِضْ عَنِ الْجَاهِلِيْنَ» هم می‌گوییم «وَأَمُرْ بِالْعُرْفِ» داشتیم توضیح می‌دادیم. ما امر به معروف تا حالا شنیده بودیم، امر به عرف نشنیده بودیم. این امر به عرف چیست؟ شما باید معروف بکنید عرف. این مهم است و این همین‌جاست که اسمش می‌شود جهاد تبیین. جهاد تبیین در درجه اول وظیفه امامان جامعه است و بعد امامان میانی تا برسد به امثال من و شما که توده‌ی مردم است. توده‌ی مردم وظیفه دارند همه که به اندازه‌ی اینی که می‌دانند بگویند. توده‌ی مردم چه وظیفه‌ای دارند؟ ببینید اگر ما مبانی را نگوئیم، مبانی قرآن را که جهاد تبیین، جهاد کبری است که قرآن می‌گوید «وَجَاهِدْهُمْ بِهِ جِهَادًا كَبِيرًا»، «یه» هم به آن برمی‌گردد به قرآن. یعنی به وسیله‌ی قرآن جهاد کبیر بکنید.

یعنی چه کار بکنید؟ یعنی تبیین بکنید. یعنی قرآن و معارف قرآن را تبیین بکنید، این می‌شود جهاد با قرآن. یعنی به وسیله قرآن شما جهاد بکنید، جهاد تبیین. و اگر نکنید این آیه سوره آل عمران را بیاورید. و این وظیفه را به عنوان یک وظیفه همگانی عرض می‌کنم. و بعد به صفحه هفتاد و پنج بیاورید. و آیه‌ی ۱۸۷ سوره مبارکه‌ی آل عمران «بسم الله الرحمن الرحيم \* وَإِذْ أَخَذَ اللَّهُ مِيثَاقَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ لَتُبَيِّنُنَّهُ لِلنَّاسِ وَلَا تَكْتُمُونَهُ فَنَبَذُوهُ وَرَاءَ ظُهُورِهِمْ وَأَشْرَوْا بِهِ تَمَتُّاً قَلِيلاً فَبِئْسَ مَا يَشْتَرُونَ». خدا یک میثاقی گرفته از «الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ»، هر کسی که به او کتاب داده شده است، این‌جا مفسرین بحث کرده‌اند که «الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ» فقط یهودی‌ها و نصارا نیستند، هر کسی که به او کتاب داده شده. ما هم هستیم. به ما هم کتاب داده شده است دیگر. این کسانی که به آن‌ها کتاب داده شده، خدا میثاق گرفته است. یک میثاق فطری الهی از همه‌ی ما گرفته است که «لَتُبَيِّنُنَّهُ لِلنَّاسِ» شما وظیفه تبیین دارید. باید تبیین بکنید این را. هر کس به هر اندازه‌ای که می‌فهمد. طبیعتاً هر کسی بیشتر می‌فهمد، بیشتر وظیفه‌اش است. هر کسی بیشتر می‌فهمد، بیشتر وظیفه‌اش است. نه اینکه بگوید: «وَلَا تَكْتُمُونَهُ». شما نمی‌توانید کتمان بکنید. یکی از بدترین گناه‌ها، گناه کتمان کردن است. آن کسی که وعده‌های الهی را دیده است، آن‌هایی که

تو جنگ بودند، دیدند. می بینید در یک جماعت یک حرفی زده می شود، این ها هم هیچی نمی گویند. بابا آقا جان، شما که بودی، دیدی. شما که نوجوان دیگر نیستید که.

شما آنچه در جبهه دیدی، بگو. آنچه که تو تاریخ خوانده ای، بگو. آنچه که تو قرآن هست، بگو. بعضی ها فکر می کنند ما که چیزی نگفتیم. گاهی اوقات گناه چیزی نگفتن است. این یک میثاق است که «لَتُبَيِّنُنَّهُ لِلنَّاسِ وَلَا تَكْتُمُونَهُ» است. آن موقع اگر کتمان بکنیم، می شود «فَتَبَيَّنُوهُ وِرَاءَ ظُهُورِهِمْ» عملاً داری چه کار می کنی؟ پرت می کنی پشت سر آن حقیقتی که باید امام باشد و پیشوا باشد و راهنما باشد و تابلوی راهنمایی باشد که جلوی چشم باید باشد، آنقدر جلوی چشم باشد، همه دیگر ببینند، این حقیقت را دارد می اندازد پشت. لذا یکی از بدترین کارهای این عالم، گناه کتمان کردن است. آیهی صد و پنجاه و نه، صد و شصت سوره مبارکه بقره را بیاورید، میشود صفحه بیست و چهار. من عمد دارم این جوری شما را می پلکانم در قرآن. به خاطر اینکه قرآن باید دم دستتان باشد، هی ببینید قرآن را. این کار را حتماً بکنید. «إِنَّ الَّذِينَ يَكْتُمُونَ مَا أَنزَلْنَا مِنَ الْبَيِّنَاتِ وَالْهُدَىٰ مِنْ بَعْدِ مَا بَيَّنَّاهُ لِلنَّاسِ فِي الْكِتَابِ أُولَٰئِكَ يَلْعَنُهُمُ اللَّهُ وَيَلْعَنُهُمُ اللَّاعِنُونَ». کسانی که کتمان می کنند «مَا أَنزَلْنَا مِنَ الْبَيِّنَاتِ وَالْهُدَىٰ» آن چیزی که ما از بیّنات گفتیم...، نه اینکه می آید خلاف می گوید، نه، نمی گوید و یا پنهان کاری می کند. «مِنْ بَعْدِ مَا بَيَّنَّاهُ لِلنَّاسِ فِي الْكِتَابِ» بعد از اینکه ما گفتیم، لعنت هر لعنت کننده ای گیر می افتد. می گوید خب، من که چیزی نگفتم. خب، مشکل همین است که چیزی نگفتی. الآن مشکل همین جاست که چیزی نمی گویی یا کتمان می کنی. بعضی وقت ها حرف نزدن، خودش حرف زدن است. وقتی شما حرف نمی زنی، یعنی مطلبی اتفاق نیفتاده است. حرف نزدن در این معارف بزرگ الهی.

الآن چرا خیلی ها دلشان غنچ می رود برای این نامه ای احتمالی که ترامپ می خواهد بنویسد راجع به بحث مذاکره با آمریکا؟ چرا این جوری شده است؟ چرا ملتی که تاریخ صد ساله ی قبل خودش را اگر ببیند، می بیند همیشه با این کار بی نتیجه بوده است. قرآن هم می گوید «لَا يَرْفُقُونَ فِي مُمْمِنٍ إِلَّا وَلَا ذِمَّةً» هیچ وقت این ها پای قرارداد با شما نمی ایستند. اصلاً در متن قرارداد می نویسند که ما نمی ایستیم. خیلی چیز عجیبی است. در متن قرارداد می نویسند ما می توانیم یک طرفه خارج بشویم. چرا مردم هنوز در دلشان غنچ می رود؟ یک عده ای لااقل؟ به خاطر اینکه امثال بنده تبیین نمی کنند. هنوز دارند مشکلات صدر اسلام را حل می کنند. بابا بیا همین را تبیین بکن، نشان بده در تاریخ خودمان. این که در خود آیات قرآن می گوید که این ها قرارداد حالی شان نیست. وگرنه قرآن وقتی که می گوید «فَقَاتِلُوا أَلَمَّةَ الْكُفْرِ» با امامان کفر بجنگید، نمی گوید چون ایمان ندارند. آدم با کسیکه نمی جنگد. می گوید «إِنَّهُمْ لَا أَيْمَانَ لَهُمْ» یعنی قرارداد ندارند، قراری با شما ندارند. هر چه هم قرار بگذارند، عمل نمی کنند «لَا يَرْفُقُونَ فِي مُمْمِنٍ إِلَّا وَلَا ذِمَّةً». اصلاً این ها دنبال عهد و قرارداد نیستند. عهد و قرارداد برای این ها یک تاکتیک محسوب می شود برای اینکه فیتله ی یک چیزی را بکشند پایین. تاکتیک است.

برای همین امیرالمؤمنین در نهج البلاغه می فرمایند که «الْحَذَرُ كُلُّ الْحَذَرِ مِنْ عَدُوِّكَ بَعْدَ صَلَاحِهِ» مواظب دشمن پس از صلح باش. «فَإِنَّ الْعَدُوَّ رَيْمًا قَارِبَ لِيَتَغَفَّلَ» نزدیک می شود که غافلگیر بکند. بعد می گویند «وَأَتَاهُمْ فِي ذَلِكَ حُسْنُ الظَّنِّ» حسن ظن را متهم کن اینجا، یعنی خوش خیال نباش. او اگر نزدیک می شود، نزدیک می شود که یک خنجر به او فرو بکند. نه همه، امام کفر. چونکه «إِنَّهُمْ لَا أَيْمَانَ لَهُمْ» اَيْمَانَ حالی شان نیست. کسی که تاریخ صد ساله ی خودمان را بداند، کسی که تبیین آیات قرآن برایش شده باشد، برایش واضح است. چرا الآن این جوری شده است؟ چرا آقا متجاوز از دویست بار در این دو سال گفته اند جهاد تبیین؟ واجب فوری، قطعی، یعنی با عناوین مختلف. یعنی چه؟ یعنی آقا باید آدم های شاخص، کانال دار، سلبریتی ها، مردم، توده ها به جهاد تبیین بپیوندند. جهاد تبیین مبانی. این ها را بگویند. مبانی را بگویند، نگویند، آن موقع ببینید حالا آمد توبه بکند «أُولَٰئِكَ يَلْعَنُهُمُ اللَّهُ وَيَلْعَنُهُمُ اللَّاعِنُونَ» لعنت هر لعنت کننده ای بر این ها می رسد. چون این ها فردای روزگار اگر اتفاقی برای کشور بیفتد، به خاطر همین نفهمی ها و جهالت ها اتفاقی می افتد که مشکل هم نه ظریف است، نه کلفت است. اصلاً مشکل مال این ها نیست. ببینید وقتی که ما مبانی نمی دانیم، فکر می کنیم که مشکل این ها نیست. نه، اگر مثلاً ترامپ نباشد یا کسی دیگر باشد، آن جواب می دهد. نه، مشکل یک مبناست. و البته این مشکل نه مشکل ظریف نیست، مشکل کلفت هم نیست. مشکل هیچ کدامشان نیست. یعنی فرقی ندارد به جای او هم کسی دیگر را بگذاری که بگویی برو این را از آب در بیاور، همین می شود، با یک ذره ویرایش. مشکل از این طرف است دیگر.

## اراده مردم، تعیین کننده عمل مسئولین

ببینید، این را هم بدانید، خیلی وقت ها اگر با مجموعه ی مسئولین و این ها بگردید، (میبینید که) اراده ی مسئولین یک برآیندی است از اراده ی مردم. مردم اگر چیزی را بخواهند. شما خودتان نمی دانید با این راهپیمایی ها چه کار دارید می کنید. یک راهپیمایی می روید، یکهو فیتله ی همه چیز قفل میشود. یعنی هی می گفتند مردم اینجوری، مردم آنجوری، مردم می آیند بیرون. ولی خب، فعلاً فیتله را بکشید پایین. پس ببینید ما حتی تأثیرگذاری بر مسئولین، مردم با همین کارها و انرژی های خودشان می توانند این کار را بکنند. می توانند مسئولین را به سمتی هدایت بکنند. این کار را می توانند بکنند. فکر نکنید مسئولین «فَعَالٌ مَا يَشَاءُ» هستند، اصلاً این جوری نیست. مسئولین «فَعَالٌ مَا يَشَاءُ» نیستند که هر کاری دلشان می خواهد بکنند. نخیر، مردم و اراده ی مردم و نظرسنجی هایی که می کنند از مردم کاملاً (تأثیر گذار است). یکهو راهپیمایی، یکهو تشییع سید (نصرالله) می شود و همه تمام آن تحلیل ها فرو می ریزد. به این ها دقت کنید. این است که قرآن می گوید «وَلَا

يَتَطَوَّنَ مَوْطِنًا يَغِيظُ الْكَفَّارَ وَلَا يَتَّالُونَ مِنْ عَدُوِّ نَبَلًا إِلَّا كَيْتَ لَهُمْ بِهِ عَمَلٌ صَالِحٌ» این قدم زدن عمل صالحی است که شخص دارد (انجام میدهد). یعنی می‌رود توی خیابان، دارد قدم می‌زند، ولی یکهو می‌بینید معادلات را با همین قدم زدن خودش دارد توی کشور عوض می‌کند. بعد اگر بخواهد توبه بکند، این توبه‌اش خیلی سخت است دیگر. «إِلَّا الَّذِينَ تَابُوا وَأَصْلَحُوا وَبَيَّنُّوا فَأُولَٰئِكَ أَتُوبُ عَلَيْهِمْ» نمی‌شود برود توبه کند، باید بیايد گندی که زده، تبیینی که نکرده، باید بیايد تبیین بکند. آن‌جایی که این کار را نکرده، باید جبران بکند. این‌جوری نیست که بسم الله الرحمن الرحيم، توبه. نخیر، شما گناهت گناه کتمان بود. توبه (بی تبیین نمی‌شو). باید تبیین کند.

## حلقه میانی، پیش برنده اهداف ولی

حالا این که عرض کردیم، می‌خواستم این نکته را خدمتتان بگویم که ما وجود حلقه‌های میانی در عرف‌سازی، این بحث مهمی است. چون ممکن است این جلسه، جلسه‌ی آخرمان باشد، آیه‌ی ۲۹ سوره مبارکه فتح را داشتیم می‌خواندیم، صفحه ۵۱۵. عرض کردیم این آدم شاخصها، مؤمنها، آدم پاکارها، ولایهها، حلقه‌های میانی، ربیون ربانئون، هر چه اسمش را بگذارید، این آدم‌ها هستند که کار راه انداز امثال پیغمبران‌اند. من این را عرض کردم راجع به یوشع بن نون. یادتان هست یک بار، می‌دانید که آن‌جا وقتی که اصحاب موسی گفتند: «إِنَّا لَمُدْرِكُونَ» ما گیر افتادیم، امثال یوشع بن نون و این‌ها، کار را درآوردند از آب. جوری که گفتمان را توانستند برگردانند. همین یوشع بن نون این‌ها، در ماجرای رفتن به سمت ارض مقدس، با اینکه قرآن می‌گوید گفتند ولی نتوانستند کار را در بیاورند. یعنی گاهی اوقات در یک شرایطی کار درمی‌آید از آب، گاهی اوقات کار در نمی‌آید از آب. مالک اشتر هست و ماجرای صفین این‌جوری می‌شود. یعنی عده‌ی بیشتری لازم دارد. این‌جوری نیست که بگویند آقا آن پنج نفر بروند تبیین کنند. نخیر، این‌جوری نیست. این پنج هزار نفر لازم دارد.

باید بشود گفتمان را عوض کرد وگرنه همان‌جا کنار رود «قَالَ أَصْحَابُ مُوسَىٰ إِنَّا لَمُدْرِكُونَ» اصحاب موسی گفتند گیر افتادیم، ما را خلاصه خرمان کردی تا همین‌جایش آوردی. امثال یوشع بن نون و کالب و یوحنا و اینها همان‌جا شروع کردند گفتمان را عوض کردن، ماجرا عوض شد. همین این‌ها مجدداً خواستند گفتمان را عوض کنند، نتوانستند. بعد از اینکه می‌خواستیم بروم به ارض مقدس. برای همین عرض کنم، آقا این نکته را در ذهن‌تان داشته باشید. پیغمبری که جزو مرسلین است، ما پیغمبر داریم تا پیغمبر. لوط جزو مرسلین است. یعنی جزو پیغمبران سطح بالاست. نبی نیست. رسول است. فقط نبی نیست، رسول است. به عنوان ناموفق‌ترین مثلاً شاید پیغمبر خدا که عملاً کسی را نتوانست هدایت کند، خودش گفت: «قَالَ لَوْ أَنِّي لِي بِكُمْ قُوَّةٌ أَوْ آوِي إِلَىٰ رُكْنٍ شَدِيدٍ». ای کاش من آدم داشتم. من یک آدمی داشتم که به آن پناهنده می‌شدم که کارهای من را او از آب درآورد. اگر این آدم‌ها نباشند، کار در نمی‌آید از آب. هی همه آن موقع می‌گویند آقا ولی دارد چه کار می‌کند؟ آقا دارد چه‌جوری تصمیم می‌گیرد؟ این را هم بدانید، قد و قامت ولی، ضربی از قد و قامت حلقه‌های میانی است. این حرف بسیار مهمی است. یک بار سر خرمن برایتان توضیح می‌دهم. نامه دارد امیرالمؤمنین به مالک، به عنوان ولایت مصر، نامه دارد به محمد بن ابی‌بکر به عنوان ولایت مصر، نامه دارد به ابن عباس. این نامه‌ها را ببینید. به اندازه قد و قامت طرف نگاه میکنند به او بار میزنند. قد و قواره مالک است، طبیعی هم هست دیگر، مالک را به او اینطور بار میزنند، محمد بن ابی‌بکر به او بار میزنند. این عباس که ابن عباس هم فامیل است هم سوگولی است برای حضرت. یک‌جا مجبوند به او می‌گویند «لَا أَبَا لَعْنَرِك» ای بی‌پدر، من فکر می‌کردم تو فامیل مایی و حواست هست «حَدَرْتُ إِلَىٰ أَهْلِكَ تُرَائِكَ مِنْ أَبِيكَ وَ أُمِّكَ» چنان پریدی روی بیت المال که انگار ارث پدرت بوده است.

ببینید علی چقدر گاهی اوقات تنها می‌شود. این آدم را باید بفرستد برای مذاکرات. که می‌گوید نمی‌گویم ها، ابوموسی اشعری همین بود که شما دارید انتخاب می‌کنید، می‌فرستید برای مذاکرات حکمیت. من نمی‌فرستم. به من بگویید، می‌گویم ابن عباس. من که کش را قبول ندارم. حالا که پایتان را گذاشته‌اید روی خرخره ما که بفرمایید مذاکرات، من می‌گویم ابن عباس. شما می‌گویید عبدالله بن قیس همان ابوموسی اشعری. «و لقد اعدتُم بعبدة الله ابن قيس بالامس» (۲۸:۳۸) شما دیروز عبدالله بن قیس را انتخاب کرده‌اید بعداً کسی دبه نکند. این همان کسی بود که گفت شمشیرها را بگذارید زمین، ما سلاح زمین گذاشتیم. این را دارید می‌فرستید، بعداً کسی دبه نکند. می‌خواهم به شما بگویم ضریب امام به ضریب همین ضریب حلقه‌های میانیس است که چقدر پرواز می‌کند. حاج قاسم دارد یک قدری پرواز می‌کند، ندارد، اینقدر دیگر پرواز می‌کند. آقا، این‌ها خیلی چیزهای طبیعی است. کسی که مدیریت کرده باشد یک جا را، می‌فهمد که مدیر به اندازه معاونینش پرواز می‌کند. خودش این‌جوری تک‌پری نمی‌کند. تک نمی‌پرد، او هم دارد نگاه می‌کند به همین قد و قامت آدم‌هایی که با او می‌خواهند (بپرند).

(۳۹:۳۰۴) همین‌جور بی‌پال و پر دارم می‌پریم، خب، شما هم نمی‌آیید با من. خب، من علی که بلدم بپریم، از قاف تا قاف می‌پریم. کسی با من نمیتواند بپرد، شماها نمی‌توانید با من حرکت کنید. ببینید اینها از آن دردگدازیهایی است که آن موقع کسی متهم می‌شود؟ همان علی متهم می‌شود. شما خطبه‌ی صد و بیست و یکم نهج‌البلاغه را یک موقع ببینید. آمدند به امیرالمؤمنین می‌گویند تو که با حکمیت مخالف بودی، خب، چرا قبول کردی؟ حضرت دارند دست روی دست می‌دهد، پشت دستش و می‌گوید آن روزی که من مخالف بودم، تو کجا بودی؟ شما پایتان را گذاشتید روی خرخره ما برای حکمیت. بعد همین شما دارید می‌گویید برای چه حکمیت را قبول کردی؟ این‌جوری می‌شود؟ بعد متهم می‌شود چه کسی؟ آن ولی متهم می‌شود در صورتی که متهم است؟ حلقه‌ی میانی متهم است. حلقه‌ی میانی متهم است. آنی که

باید تبیین کند، متهم است. آنی که باید کار بکند، متهم است. آن موقع می بیند که ولی متهم می شود. بعدش هم می گویند تو حکومت داری بلد نیستی. به علی می گفتند تو آدم خوبی هستی، ولی حکومت داری بلد نیستی. «لله أبوه» بابا، پدر پیامر «ما بلغت العشرين» من بیست سالم نبود، تو این جنگ ها بودم. «و ها أنا ذا قد ذرّفت علی السّتين» از شصت گذشته ام الان. یعنی چه بلد نیستی؟ «و لكن لا رأي لمن لا يطاع» چه رایی برای کسی که اطاعت نمیکند؟ این ها را باید به عنوان عبرت در تاریخ (یاد گرفت).

## ویژگی افراد پای کار ولی

حالا این ها ویژگی شان چیست؟ من عرض کردم. ویژگی این جور آدم ها، اولاً فالوده خوردن با خداست هر شب. اهل سجده، اهل بکاء، اهل گریه، اهل قرآن. این ها کسانی رمبو و جیمز باند نیستند، هالیوودی نیستند که یک تیربار را یک دستی بگیرند دستشان. من خدمت این آقایان لبنانی که رسیده بودند، می گفتند آقا سید هاشم صفی الدین، این ها، سال های آخر خیلی بدنه ی حزب الله را دعوت می کردند به کارهای معنوی. خیلی مهم بود. هی مهم تر شده بود برایشان که آقا کسی فارغ از معنویات نمی تواند بایستد پای کار. پس از اینکه «ذَلِكَ مَثَلُهُمْ فِي التَّوْرَةِ»، آن موقع است که به پشتوانه ی شبش، یک روز طوفانی این جوری دارد که «وَمَثَلُهُمْ فِي الْإِنْجِيلِ كَزَرْعٍ أَخْرَجَ شَطْأَهُ، فَكَازَرَهُ، فَاسْتَغْلَظَ فَاسْتَوَى عَلَى سُوقِهِ يُعْجِبُ الزُّرَّاعَ لِيُغَيِّظَ بِهِمُ الْكُفَّارَ» به پشتوانه شب در روز چگونه اند؟ «كَزَرْعٍ» این ها مثل کشته هایی می مانند که «أَخْرَجَ شَطْأَهُ» این ها جوانه های خودشان را اخراج میکنند، بعد «فَكَازَرَهُ» کمک میکنند «فَاسْتَغْلَظَ فَاسْتَوَى عَلَى سُوقِهِ». عزیزان، ما خیلی وقتها در کار کردن می بیند که آدم های کم صبر و کم حوصله ای هستیم. به طرف می گویم رزومه ات را بیاور. رزومه اش را، دو، سه صفحه رزومه هست، می گویم برو بابا، دو، سه صفحه رزومه؟ معلوم است تو اهل کار نیستی. یعنی از این کار ول کردی رفتی آنجا، از این جا رها کردی رفتی آنجا. بابا یک کاری را بگیر، بیا بالا.

رزومه باید دو خط، سه خط باشد، بیشتر رزومه آدم نباشد. من این کار را کردم، این جا را راه انداختم وفلان. اگر تو ده کار کرده ای، صد تا کار کرده ای، معلوم است آدم کارکن نیستی که اینقدر رزومه داری. رزومه یعنی اینکه شما یک کاری بکنی، درخت جوانه بزنی، بیاید بالا، محکمش کنی، بیاید بالا، اینقدر بیاید بالا که «يُعْجِبُ الزُّرَّاعَ» این آدم های این کاره بگویند بابا تو دیگر کی هستی؟ خیلی از ما یک دشت را سوراخ سوراخ می کنیم، به آب نمی رسیم. یک خورده می کنیم، ول می کنیم. بعد می رویم یک جای دیگر. نمی رسیم به آب، می رویم یک جای دیگر را می گیریم. بابا یک جایی را بگیر، بکن فشنک فرو برو توش. یک کار فرهنگی بکن. ده سال، بیست سال خون دل بخور بابت کار فرهنگی. بمان. کار در بیاور. آدم تربیت کن. این کار است. این آدم ها به درد می خورند که چشم امید ولی می شود که این را با این می شود درآورد. با تشکیلات این ها می شود درآورد. این ها آدم هایی هستند که می شوند «وَالَّذِينَ مَعَهُ»، «رَزَقَنَا اللَّهُ وَايَاكُمْ».

## مفهوم عبارت قرآنی «وَأَعْرِضْ عَنِ الْجَاهِلِينَ»

پس این بحث عرف و این ها را ما کشاندیم به چه؟ به گروهی که این کار را انجام می دهد. برای اینکه در این دقایق پایانی هم آن را تکمیل کنیم و «وَأَعْرِضْ عَنِ الْجَاهِلِينَ». از جاهلان هم اعراض بکن. «روز و شب عریده با خلق خدا نتوان کرد.» هی درگیر می شود با آن. چه به من گفت؟ باید جواب او را بدهم؟ باید آ» را یک توییت بزنم، حالش را بگیرم. بابا ول کن دیگر. «وَإِذَا خَاطَبَهُمُ الْجَاهِلُونَ قَالُوا سَلَامًا» یک چیزی گفت دیگر. یک دو تا نفس عمیق بکش. یک دو روزی به خودت فرصت بده، بعداً بگو دو روز دیگر من جوابش را می دهم. یک عبارتی دارد امیرالمؤمنین خیلی جالب است «خادع نفسك». خودت را فریب بده. چه جوری؟ چه جوری می گویی که آقا یک شب، هزار شب نمی شود؟ بعد در عروسی هر غلطی می کنند با یک شب، هزار شب نمی شود. حال شما هم همین جوری بگو به شیطان بگو، به نفس خودت هم بگو حالا نمی خواهم که هرشب نماز شب بخوانم. حالا یک شبی است دیگر. شیطان هم میگوید باشد اگر یک شب است کاری باهاش ندارم. بگو یک سجده می خواهم بکنم، حالا نمی خواهم سجاد بشوم که «خادع نفسك». یک چیزی بگو حالا فعلاً این را جواب نمی دهم. آقا این توییت ها، این فوروارد ها، اینی که داریم «لا تفوروا ردوا» یعنی فوروارد نکنید. آنقدر فوروارد نکنید این ور، آن ور. این ها به خدا گریبان انسان را می گیرد. می گویند خب، راست است؟ اگر دروغ بود که اصلاً فاجعه بود این کاری که می کنی.

سوره مبارکه نور را بیاورید. این یکی از مدیریت های خبر است. سوره مبارکه نور صفحه سیصد و پنجاه و یک. یک موقع در زمان پیغمبر از خواب بلند شدند، موبایلها را برداشتند. دیدند که اوه، چه تصاویر و چه عکس هایی از خانه پیغمبر خلاصه در شبکه ها هست. دیگر همه هی دارند به همدیگر فوروارد می کنند. این به آن می گوید فلان. قرآن می گوید همان بالای صفحه را نگاه کنید، آیه ۱۱. می گوید «إِنَّ الَّذِينَ جَاءُوا بِالْإِفْكِ عُصْبَةٌ مِّنْكُمْ لَا تَحْسَبُوهُ شَرًّا لَّكُم بَلْ هُوَ خَبَرٌ لَّكُمْ». اولاً این کور بودن را می بینی؟ این کسانی که ماجرای افک را راه انداختند که این کار را بکنند، اولاً یک گروهی از خودتان هستند هماهنگند. یعنی این جوری نبوده که یکهو شما شب می خوابید، صبح بلند می شوید، می بینید یک خبری ترند شده است. این ها را بدانید. این ها اهل فن رسانه می دانند این ها را. یکهو می گویند آقا فرش کن. یکهو میبینی در تلگرام، ایتا، بله، فلان و این ها یک خبری را فرش میکنند. اصلاً اصطلاحش هم همین است، می گویند فرش کن. یعنی یکهو می بینی که همه جا دارند خبر می دهند. این دارد پول خرج می شود بابت آن. این را بدانید. خبر آنقدر خودش پخش نمی شود.

حالا یک سری مؤمنین بیچاره این وسط چه کار می‌کنند؟ این خبرها را دارند پخش می‌کنند. آن‌ها هم ذوق کرده‌اند. ۹۱ نه بابا! خبر پخش میشود. این آیه‌ی دوازده را ببینید. اولاً می‌گوید چیز بدی هم نشد. بد هم نشد. با اینکه حرکت بدی زدند. با اینکه حرکت اینجوری زدند، ولی بد هم نشد. بالاخره دست منافقین را رو میشود. این تکه‌اش را نگاه کنید. «لَوْلَا إِذْ سَمِعْتُمُوهُ ظَنَّ الْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بِأَنفُسِهِمْ خَيْرًا وَقَالُوا هَذَا إِفْكٌ مُّبِينٌ». چرا گمان خیر به همدیگر نکردید؟ بعد بگویید این تهمت است. در درجه اول چرا این کار را نکردید؟ آیه ۱۵: «إِذْ تَلَقَّوْنَهُ بِأَلْسِنَتِكُمْ وَتَقُولُونَ بِأَفْوَاهِكُمْ مَا لَيْسَ لَكُم بِهِ عِلْمٌ» این‌ها را با تাকسی نیوز و خبرگزاری‌هایی که در تاکسی‌ها هست، برداشتید این گفتمان را بردید پخش کردید. «وَتَحْسَبُونَهُ هَيِّئًا وَهُوَ عِنْدَ اللَّهِ عَظِيمٌ» فکر کردید که این یک چیز ساده‌ای است؟ پیش خدا این کار بسیار بزرگی است. بابا، ما آدم داریم، خودش را کشته است بابت این. بابت اینکه یک شایعه‌ای از او پخش شده است و بالاخره ظرفیت آدم متفاوت است. بعد الآن با فتوشاپ و هوش مصنوعی با اینها هم که، با defectها (۴۰:۲۰) کلاً یک کارهایی می‌کنند. یک سخنرانی انگلیسی از من درآورده بودند رفقا خیلی جالب بود. خودم دارم انگلیسی صحبت می‌کنم. خب، بعد با تصویر خودم، کاملاً انگلیسی صحبت می‌کنم. بعد من این را دادم به بچه‌های رفقایم که تو آمریکا گفتند: “خیلی native است. خیلی خوب صحبت کردی. خب، یعنی من اصلاً چنین صحبتی نکرده بودم. ببینید چه عالمی است الآن. بعد آن طرف می‌آید همین‌ها را پخش می‌کند و می‌دهد و فلان و این‌ها. بعد می‌بینید جامعه متأثر می‌شود، اوضاع به هم می‌ریزد «وَتَحْسَبُونَهُ هَيِّئًا وَهُوَ عِنْدَ اللَّهِ عَظِيمٌ». شما فکر می‌کنید آبروی مؤمنین را این‌جوری می‌شود با آن بازی کرد؟ آقا، مطلقاً چیزی را فوراً نکنید، مگر خبرهای معمولی که هست و نمی‌دانم برف می‌آید، باران می‌آید و از این چیزها. یا چیزی که معلوم است یک اتفاقی در عالم هست. اگر بخواهید بروید تو این فاز که مؤمنین را هی ازشان خبر منتشر کنید، اصلاً یک اخلاق بدی ایجاد می‌شود.

امام در یکی از چهل حدیث این را می‌گویند که حلال‌هایی را نباید انجام بدهیم چون ما را در معرض حرام قرار می‌دهند. یک سری حلال هست، آدم انجام بدهد، زیاد هم انجام بدهد، حلال خدا، حتی طیبات است. آیه داریم، خیلی جالب است. «وَيَوْمَ يُعْرَضُ الَّذِينَ كَفَرُوا عَلَى النَّارِ أَلْهَبْتُمْ طَيِّبَاتِكُمْ فِي حَيَاتِكُمُ الدُّنْيَا وَاسْتَمْتَعْتُمْ بِهَا». آن روز جهنم به تو می‌گوید آقا شما دیگر طیبات را هم دیگر درآوردید. یعنی چقدر طیبات دیگر؟ طیبات هم یک حدی دارد. می‌آید می‌گوید فلان کار مثلاً اشکال شرعی دارد؟ می‌گوییم نه، اشکال شرعی ندارد، ولی تو که زن داری دیگر. خب، بعد از این طرف و آن طرف، بابا دیگر ته دیگش را درنیاور دیگر. ته دیگ طیبات را درنیاور. طیبات هم یک حدی دارد و خیلی وقت‌ها اگر یک اخلاقی، اخلاقی که یک خبر به من بدهند مثل این است که خشابم را پر می‌کنند، اگر این اخلاق در آدم باشد، یعنی همین‌جوری خبرهای دیگر هم که نباید پخش کنم، پخش می‌کنم. لذا «وَأَعْرِضْ عَنِ الْجَاهِلِينَ» از جاهلین اعراض کنید، آبروی آدم‌ها را هم نبرید، توبیت مفت نزنید، حرف نسنجیده نزنید.

با این آیه قرآن که یکی از آیات سی آیه است و خیلی هم سه ستاره است این آیه، اگر خوب این آیه را به خودتان بمانسازید. یعنی آیه را بجوید تا شیرهایش در بیاید. خوب دقت کنید، یعنی تمیز بکنید به تعبیر روایات. تمیز یعنی اینقدر بجوید، دیدید نان را اینقدر میجوید یک شیرینی از آن می‌آید بیرون (یعنی آن). من قبلاً که بچه‌تر از حالا بودم، فکر می‌کردم که سمنو یعنی شکر می‌زنند. بعداً فهمیدم نه بابا، شکر نمی‌زنند. اینقدر می‌ماند آن را شیرینی‌اش درمی‌آید. دارد «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَقُولُوا قَوْلًا سَدِيدًا \* يُصْلِحْ لَكُمْ أَعْمَالَكُمْ». حرف محکم بزنید. خدا همه اعمالتان را اصلاح می‌کند. این زبان، خانم‌ها گوش کنند، این زبان صبح به صبح از همه اعضا و جوارح سؤال می‌کند، می‌گوید حالتان چطور است؟ در روایت می‌گویند تو بگذاری، خوبیم، تو بگذاری، خوبیم. خیلی وقت‌ها غیبت و تهمت می‌کنیم، حرف می‌زنیم، حرف اضافه می‌زنیم، دل می‌شکنیم. «اتَّقُوا اللَّهَ وَقُولُوا قَوْلًا سَدِيدًا \* يُصْلِحْ لَكُمْ أَعْمَالَكُمْ».